

نگاهی به مقاله خانم خراسانی

جنبش زنان در راه اصلاح سازمانی برگرفته از وب سایت "تهیه"

خانم نوشین احمدی خراسانی از بنیانگذاران تشکل "کمپین یک میلیون امضا" چند روزی است مقاله ای در باره مشکلات درونی این کمپین نوشته و با بحث های زیاد شده است. اگر خانم خراسانی در مقاله خود آنقدر حاشیه نرفته و در چند جمله "جان کلام" را نوشته بود، نه تنها دوستان و همکارانش، بلکه دیگران نیز سریع و راحت متوجه نظرات وی شده و به این ترتیب، این همه بحث حاشیه ای ایجاد نمی شد.

اگر آنچه را خانم خراسانی نوشته ساده و کوتاه کنیم، می شود:
ما یک بار فعالیت حزبی و یا انجمنی و یا کانونی می کنیم و هر تشکلی نظر خاص خوش را دارد. یکبار هم، همگی با هم به این نتیجه می رسیم که یک کار مشترک بکنیم. باز هم به زبانی ساده تر: همه احزاب و گروه ها و انجمن ها و کانون ها بر سر یک موضع مشترک و یا یک شعار مشترک می توانند جمع واحدی را تشکیل بدهند و در عین حال در انجمن ها و احزاب و گروه های خودشان هم فعال باشند. هم اهداف تشکل های خودشان را پیش ببرند و هم؛ همزمان در راه عام ترین و مشترک ترین موضوع و یا موضوعات مطرح روز، با هم همکاری کنند. نام این کار، عمل جبهه ایست. نوعی اتحاد بر سر عام ترین خواست مشترک و تفاهم بر سر یک روش کار عمومی در یک اتحاد و یا یک جبهه.

باز هم ساده تر اینکه "کمپین یک میلیون امضاء" که صحبت بر سر آنست (البته این نام، حتی اگر نام یک جبهه باشد نیز نام روشن و بیان کننده اهداف یک مرحله از جنبش زنان نیست و برای توده زنان جامعه اسمی خارجی است و قابل درک و شناخت نیست!) همان جبهه می توانست باشد و هنوز هم هست و همه انجمن ها و سازمان ها و کانون های زنان هم می توانند نمایندگانی در آن داشته باشند و کمپین را بصورت شورائی و البته بر محور اهدافی که برایش تعیین شده و می شود اداره کنند.

چون تشکل های زنان، عموماً بر محور خواست ها و تنگناهای ویژه زنان ایرانی فعالیت می کنند و یک حزب و یا تشکل سیاسی با اهداف و برنامه سیاسی نیستند، اتحاد و جبهه تشکل های زنان هم کار سیاسی نمی کند، بلکه بر محور عام ترین و به روز ترین خواست فوری تشکیل های زنان برای دفاع از حقوق اجتماعی آنها متمرکز است.

آنچه که خانم خراسانی می گوید و تا حدود زیادی همین نکته مورد اشاره را تأیید می کند، آنست که کمپین از ابتدا باید هویت تشکل های زنان را به رسمیت می شناخت و استقلال عمل آنها را می پذیرفت و سپس در کمپین نیز همین تشکل ها بصورت جبهه ای و بر محور یک شعار یا یک برنامه فعالیت می کردند. این که در آن تشکل ها، افراد با گرایش های سیاسی و یا حتی وابستگی سازمانی و حزبی فعالیت داشته باشند یا نداشته باشند، امری است مربوط به خود آن تشکل ها، اما اینکه در جبهه مورد بحث باید نمایندگانی از آن تشکل ها حضور داشته باشند همسو و هماهنگ با معیارهای جبهه - کمپین - ، بعنوان مثال عدم وابستگی به احزاب و سازمان هایی که موضع گیری های آن احزاب و سازمان ها می تواند جبهه را زیر ضربه حکومتی ببرد، امریست که باید شورای جبهه در باره آن تصمیم می گرفت و بگیرد.

تنها نکته ای که مقاله خانم خراسانی را پیچیده تر از گم شدن در دالان پیچ در پیچ و بلند آن مقاله می کند، این پیشنهاد ایشان است که کمپین باید دفتر نمایندگی در شکل های زنان می داشت. یعنی ایشان هرم یک کار سازمانی شناخته شده جهانی را که حداقل ۱۵۰ سال سابقه عمل دارد وارونه مطرح کرده است. بدین شکل و تعبیر که کمپین نباید در شکل ها دفتر می داشت و یا داشته باشد، بلکه برعکس، این شکل ها بودند و هستند که باید نمایندگانی در شورای رهبری کمپین می داشتند و داشته باشند و کمپین بصورت جبهه ای عمل می کرد و بکند. یعنی هرمی را که خانم خراسانی طرح می کند، اگر با یک دستکاری کوچک برگردانیم و آن به جای آنکه روی سر قرار دهیم؛ روی پایش قرار دهیم پیشنهاد و طرحی دقیق عنوان شده و بر مبنای آن می توان پیش رفت. دیر هم نشده و جنجال بیهوده هم نباید راه انداخت و آجر از زیر پای فعالیت و جان کوشی زنان هم نباید کشید. دستاوردهای دو سال اخیر را باید به کلیت حضور زنان در عرصه اجتماعی ایران در ۳۰ سال گذشته پیوند زد و جلو رفت.

بدین ترتیب، آنچه خانم خراسانی در مقاله اش طرح کرده، نه بحثی در جهت تفرقه است، نه در جهت تخریب و نه ناشی از ضعف، بلکه تلاشی است درست برای به قامت کردن ستونی که پایه هایش کمی کج گذاشته شده و بسرعت می توان آن را راست کرد. به آن شرط که به اصول اولیه کار سازمانی بازگردیم.

راه توده ۱۸۸ ۰۲,۰۸,۲۰۰۸